

Investigating the Cultural Barriers of the Islamic Lifestyle and the ways to eliminate them from the perspective of Qur'an and Nahj al-Balaghah.

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Soraya Barzegarnejad,^{1*}

Hamid Hosseini,²

Ali Hossein Ehteshami³

ABSTRACT

Undoubtedly, lots of endless problems of today's society, including the rising divorce rate, materialism, neglect, luxury orientation, the tendency to be unveiled, addiction and so on, are rooted in people's lifestyle. Therefore choosing a lifestyle has an impact on all aspects of people's lives, and in the meantime, Islam religion has provided the best and the most appropriate way. Islamic lifestyle has a plan for all aspects of people's lives, but this important issue needs to be addressed. So in this article, some cultural barriers to actualizing the Islamic lifestyle and also the solutions to overcome them in Qur'an and Nahj al-Balaghah were studied using the documentary-library research and data collection method.

How to cite this article

Soraya Barzegarnejad,
Investigating the Cultural
Barriers of the Islamic
Lifestyle and the ways to
eliminate them from the
perspective of Qur'an and
Nahj al-Balaghah., 2019:3
(5):40-51

Keywords: lifestyle, cultural barriers, Nahj al-Balaghah, Qur'an.

¹Soraya Barzegarnejad: PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

²Dr. Hamid Hosseini PhD: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamadan, Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran,

³Dr. Ali Hossein Ehteshami: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tuyserkan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkan, Iran,

*Correspondence:

Address: Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

Phone:

Email: s.barzegar88@gmail.com

Article History

Received: 2019/06/19

Accepted: 2020/07/11

ePublished: 2020/08/11

بررسی موانع فرهنگی سبک زندگی اسلامی و راه کارهای رفع آن از نگاه قرآن و نهج البلاغه

ثریا برزگر نژاد*

دانشجوی دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حمید حسینی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

علی حسین احتشامی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

مادیات، اسراف، تبذیر، رواج فرهنگ مصرف گرایی، تنبلی و سستی در انجام مسئولیت، توجه نکردن به جایگاه مقدس خانواده هستند. لذا در راستای رفع این موانع راه کارهایی در قرآن کریم و نهج البلاغه بیان شده است؛ مثلاً سوره حجرات در قرآن و خطبه متقین در نهج البلاغه تماماً نمونه سبک زندگی اسلامی است؛ برای مثال؛ خداوند می فرماید: «وَ عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»^(۱) که گرامی داشت مادر خانواده است یا درباره اسراف می گوید: «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ»^(۲). در نهج البلاغه می گوید: «ای زیاد، اسراف را کنار بگذار و میانه رو باش، و امروز در اندیشه فردا به سر بر، از مال به اندازه لازم برای خود نگاه دار، و زیادی را برای روز نیازمندی خود پیش فرست»^(۳). در این پژوهش به دنبال بررسی برخی از موانع فرهنگی و راه کارهای رفع آن در قرآن و نهج البلاغه می باشد.

مقدمه

بی شک بحث از آیین و روش زندگی در ادیان الهی برای هدایت و سعادت بشر به عنوان هدف خلقت انسان، از دیرباز مورد توجه بوده است و در بین ادیان الهی، دین اسلام به عنوان کامل ترین منبع هدایتی بشر، تمام روش ها و دستورالعمل های لازم برای هدایت انسان را در نظر داشته است. خداوند متعال در این زمینه می فرماید: «ان الدین عند الله الاسلام»^(۱)؛ لذا با توجه به اهمیت و نقش چگونگی زیستن در منابع اسلامی و دینی تمامی جنبه های آن برای انسان بیان شده است؛ سبک زندگی اسلامی از آنجایی که کامل ترین و بهترین نقشه هدایتی بشر است که از سوی خداوند متعال برنامه ریزی شده و توسط انبیاء و اولیای الهی برای انسان ها ارسال شده است و انسان با الگوگیری از آن نه تنها بستر سعادت خود را هموار کرده؛ بلکه اشاعه این الگوی عملی و توجه به ارزش ها به عنوان مسئولیتی خطیر در جوامع بشری بر عهده مسلمانان می باشد.

معارف اسلامی در دین اسلام که دینی اعتدالی است و برای دنیا و آخرت برنامه ریزی شده است؛ در حوزه های متفاوتی این شیوه و سبک زندگی را معرفی کرده است؛ اعم از حوزه تربیتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره که آیات مختلف قرآن کریم بیانگر این موضوع می باشد برای مثال: «...و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء...»^(۱)؛ همچنین می فرماید: «و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»^(۲). لذا در این نوشتار به خاطر جلوگیری از اطاله کلام به نمونه هایی از موانع فرهنگی سبک زندگی اسلامی و راه کارهای رفع آن از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه پرداخته شده است.

سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی مجموعه ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایداری است که از بینش ها و ارزش های آدمیان متأثر بوده و به صورت عینی در رفتار متجلی می شود. هرگاه انسان غذایی را تناول می کند یا پوششی را بر می گزیند یا اعتقادات خاصی دارد، این الگوهای رفتاری، سبک زندگی آدمی را تشکیل می دهد.^(۳) از منظر قرآن و نهج البلاغه سبک زندگی اسلامی روش و شیوه ای است که تمام کردارها، گفتارها، پندارهای زندگی و حتی مردن انسان برای خداوند است و به نوعی مصداق تمام معنای این آیه می شود: «قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ وَ تُسَكَّيْتُ وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^(۴) سبک زندگی اسلامی دارای قلمروی وسیعی است که تمام ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می گیرد.^(۵)

بدون شک بسیاری از مشکلات نامحدود جامعه امروزی، همچون بالا رفتن آمار طلاق، مادی گرایی، غفلت زدگی، تجمل گرایی، گرایش به بی حجابی، اعتیاد و غیره ریشه در نوع سبک زندگی افراد دارد. بنابراین گزینش نوع سبک زندگی در تمام ابعاد زندگی افراد تأثیر دارد و در این میان، دین اسلام بهترین و مناسب ترین شیوه را ارائه نموده است، و می توان ادعا نمود که سبک زندگی اسلامی برای تمام جنبه های چگونگی زیستن افراد، برنامه دارد. اما این مهم نیازمند بستر سازی است، لذا در این نوشتار بر پایه روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی- کتابخانه ای به بررسی برخی از بازدارنده های فرهنگی تحقق سبک زندگی اسلامی و در مقابل راه کارهای آن در قرآن و نهج البلاغه پرداخته شده است.

کلید واژه ها: سبک زندگی، موانع فرهنگی، نهج البلاغه، قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۱

نویسنده مسئول: hoseinihamid@gmail.com

بیان مسأله

سبک زندگی اسلامی، سر منشأ برکات و نعمات بسیاری است که کاملاً آثار و نقش سازنده ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. به راستی در جوامعی که بر اساس سبک زندگی اسلامی عمل می کنند افراد آن، در چارچوب اعتقادات دینی و الهی حرکت کرده و فضای سالم و مناسب که به دور از رذایل اخلاقی و عدم تبعیت از سبک زندگی غربی است، برای خویش مهیا می کنند. جوامعی که بر اساس سبک زندگی اسلامی عمل می کنند، در پرتو این گوهر گرانبها در یک حالت روحی روانی خاص قرار می گیرند که در برابر ناملایمات و سختی های زندگی مقاوم بوده، و به تبع، آثار مثبتش در زندگی آنان نمایان است. برعکس، افرادی که با سبک زندگی غیر اسلامی زندگی می کنند. دائماً در حالت اضطراب، نگرانی، تشویش خاطر و دودلی به سر می برند که به تبع، آثار منفی آن در اجتماع نمایان می گردد. امروزه با شناخت سبک زندگی اسلامی و معرفی بازدارنده های فرهنگی آن، می توان نقش مهمی در حیات بخشی زندگی مسلمانان ایفا کرد. به دلیل این که با مطالعه زندگی مسلمانان امروزی، ناخودآگاه متوجه تأثیر سبک و اندیشه های غربی در زندگی آنان می شویم. جوامع با ترک الگوگیری از آموزه های قرآنی، خود و اجتماع خویش را متوجه سبک های زندگی غربی کردند که هیچ سنخیتی با آموزه های دینی آنها نداشته و خود را در گیر موانع فرهنگی کردند که قرآن قرن ها پیش، آن را در آیات متعدد گوشزد کرده است. اما تحقق سبک زندگی اسلامی نیازمند فراهم شدن بستر مناسب می باشد؛ بازدارنده های فرهنگی، مواردی همچون دنیا گرایی و توجه به

بازدارنده‌های فرهنگی

سبک زندگی در باورها و ارزش‌های هر جامعه ریشه دارد و عوامل متعددی می‌تواند مانع تحقق آن شود که عوامل فرهنگی از مهم‌ترین آنهاست. برخی از بازدارنده‌های فرهنگی در سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه عبارت‌اند از: جهل و نادانی، اسراف و تبذیر، رهیافت بی‌عدالتی، زایل کردن حقوق متقابل و غیره. مثلاً امام علی (ع) درباره جهل و نادانی می‌گوید: «النَّاسُ أَغْدَاءُ مَا جَهِلُوا»^(۱) مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند و در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا تَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^(۲) در این قسمت به برخی از بازدارنده‌های فرهنگی همچون: رواج طلاق، تک فرزندی، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، اعتیاد و غیره به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

۱. رواج طلاق

فروپاشی خانواده با امر طلاق ایجاد می‌شود. طلاق به معنای بی‌بازی، جدایی کامل و گسست ارتباط بین زوجین است (۱۴). عدم شناخت فلسفه ازدواج، یکی از عوامل طلاق است چرا که فلسفه ازدواج، فراهم کردن بستر یا زمینه‌ای برای جاری شدن سبک زندگی اسلامی است که خداوند از زوجیت به عنوان به آرامش زوجین و تکامل فرد نام می‌برد. اولین مانع فرهنگی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، طلاق است که بر اثر اختلافات بین همسران به وجود می‌آید و آخرین راهکاری است که زوجین ارائه می‌دهند. این راهکار در صورتی است که زوجین از طریق همفکری و مشورت راه به جایی نمی‌برند و بعد از آزمایش تمام راه‌ها، با ناامیدی ترک زندگی مشترک را انتخاب می‌کنند. خانواده یکی از بسترهای سبک زندگی اسلامی است. اگر خانواده از هم فرو پاشد، دیگر بستر مناسبی برای جاری شدن سبک زندگی اسلامی نخواهد بود.

پس می‌توان گفت یکی دیگر از موانع سبک زندگی، همان‌طور که بیان شد طلاق است، که از فقدان علاقه و ارتباط همسران با یکدیگر نشأت می‌گیرد. برخی از ریشه‌های آن در معاشرت‌های آسیب‌زاست که برخی از معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار که بر اساس ارزش‌های اخلاقی ناستوار شکل می‌گیرد زمینه‌ساز پاره‌ای از ناهنجاری‌ها می‌شود که فرد را به روابط آلوده و خارج از محیط خانوادگی دلبسته می‌کند و به مرور زمان نسبت به تعهدات عاطفی و روحی خویش نسبت به محیط خانواده دل‌سرد و بی‌علاقه می‌کند، زمینه دیگر طلاق از عدم مراقبت نگاه است، پرهیز از نگاه ناروا موجب سلامت دل و مصونیت از آن‌ها می‌شود. عدم پرهیز از نگاه ناروا حسرت‌های طولانی را به دنبال دارد، مردانی که نگاه خود را آزادانه می‌سپارند می‌توان از عواقب نامطلوبی همچون دلبستگی‌های جدید و دل‌سیری از خانواده خویش نام برد، از سوی دیگر عدم مراقبت از حجاب نیز یکی از زمینه‌های طلاق در خانواده‌ها می‌شود. از سوی دیگر می‌توان از ساده‌اندیشی و دهن بین بودن زوجین به عنوان یکی از عوامل طلاق نام برد، با شنیدن هر سخنی ثبات خانواده زیر سؤال می‌رود و از سوی دیگر توجه به رقابت‌های بی‌مورد در اطرافیان و حس برتری دیگران به خود آرام آرام صمیمیت بین زوجین را از بین برده راه را برای طلاق باز می‌کند. از عوامل دیگر به عنوان زمینه‌ساز طلاق می‌توان به درگیری‌های مکرر و حل‌نشده بین زوجین اشاره کرد. می‌توان برای حل مسئله طلاق از تلاش برای بهبود مناسبات انسانی، نیاز شناسی معیار تحول، رفاقت به جای رقابت، آموزش

واکنش‌های عاطفی، پرهیز از به رخ کشیدن دیگران، آموزش شیوه‌های داد و ستد عاطفی، فعال نمودن مشورت خانوادگی سخن گفت. اسلام در برابر فروپاشی خانواده راه‌کارهای ذیل را بیان می‌کند:

- صلح و سازش

«وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ - وَ إِنْ رَزَىٰ، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، به‌خاطر صلح، صرف نظر نمایند.) و صلح، بهتر است.»^(۱)

- حکمت افراد واسطه و خیرخواه

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَرْسِلُوا بَيْنَهُمَا وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا - وَ إِنْ رَزَىٰ، از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیت همه، با خبر است).»^(۲) اگر راهکارهای ارائه‌شده، نتوانستند از فروپاشی خانواده جلوگیری کنند و تنها راه همان طلاق باشد، قرآن کریم، طلاق عادلانه را معرفی می‌کند و از آن به عنوان می‌غوض‌ترین حلال خدا نام می‌برد: «بِأَيِّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ تِلْكَ خُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُتَعَدَّ خُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا فَإِذَا بَلَغَ الْإِجْلُ فَمُسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا - ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق دهید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست، بپرهیزید نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند، این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! و چون عدّه آنها سرآمد، آنها را به‌طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا برپا دارید این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.»^(۳)

امام علی (ع) تنها راهی که به‌سوی این فساد سوق دارد را در بیکاری و عدم مسئولیت می‌بیند. بیکاری یکی از عوامل درگیری و به هم زدن آرامش و سکون زوجین است.^(۴) آنچه در این مبحث مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که در سبک زندگی اسلامی همه امور باید طبق دستورات الهی انجام شود؛ درحالی‌که در سبک زندگی غیراسلامی، تشکیل خانواده با هدف ضرورت آن برای تعالی و رشد شخصیت فرد نیست. بلکه از طریق مسیرهای غلط همچون دوستی و غیره شکل می‌گیرد که تنها هوس و شهوات شخص هدف است و از سوی دیگر فرد و منافعش مهم است و مؤلفه‌هایی همچون؛ صبر، بندگی خدا و غیره در این ارتباط‌ها جایگاهی ندارد. عدم صورت و محتوای الهی در سبک زندگی

۳. تجمل گرایی

توجه به زیبایی یکی از ابعاد وجودی آدمی است و خود تجمل بار منفی ندارد و طبق آیات و روایات و سیره معصومین (ع) جمال گرایی و توجه به زیبایی تأکید شده است و انسان ذاتاً گرایش به زیبایی دارد. از آنجا که تجمل گرایی، روی آوردن به دنیا محسوب می شود و سایر دل بستگی ها به دنیا و وابستگی را به دنبال دارد؛ گرایش افراطی به تجمل گرایی و ظواهر زندگی پر زرق و برق، شدیداً سرزنش شده است. فراموشی خداوند، مصرف گرایی، تفاخر، تقلید نامناسب، عدم مشارکت در امور خیر و دنیازدگی از آسیب های تجمل گرایی است.^(۶)

از سوی دیگر آدمی به صورت غریزی، تنوع طلب است و هیچ گاه از وضعیت خود راضی نیست. با توجه به این امر قرآن و روایات برای مقابله با تجمل گرایی، انسان را به تفکر در مورد خلقت، ترویج الگوگیری از سیره معصومین (ع)، تقویت باورهای دینی همچون زهد و پارسایی، قناعت، اعتدال، و اיתار دعوت می کنند؛ زیرا همین که انسان در یک مورد قانون شکنی کند، این قانون شکنی به تمام اعمالش سرایت می کند و با فراموشی یاد خدا و دنیا گرایی به سوی تجملات روی می آورد و حقیر می شود.^(۶)

از آیات و روایات، در نکوهش دنیاداری، گرایش به تجملات نمونه ای در سوره قصص هست که خداوند در آن می فرماید: «وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ - وَ دَرِ أُنْجِهَ خُذَا بَه تُو دَادَه، سَرَايَ آخِرَتِ رَا بَطْلَبَ وَ بَهْرَهَاتِ رَا اَز دُنْيَا فَرَامُوش مَكْن وَ هِمَانِ گُونَه كِه خُذَا بَه تُو نِيَكِي كَرْدَه نِيَكِي كُن وَ هِرْگَز دَر زَمِيْن دَر جَسْتَجُوِي فُسَاد مِبَاش، كِه خُذَا مَفْسَدَانِ رَا دُوسْت نَدَارَد»^(۱۱). استفاده درست از دنیا تا حد معقولى مورد قبول اسلام است. آنچه مهم است این كه بدانيد قرآن كريم به افرادی كه گمان می كندند تحريم زينتها، پرهيز از غذاهای پاک و حلال نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به خداوند است را به صراحت نکوهش کرده است^(۱۱). امام علی (ع) می فرماید: «هر كه دنیا را در چشم خویش عظيم گیرد و جایش را در دلش بزرگ دارد و آن را بر خدا برگزیند و به سوی آن انقطاع-پذیر، چنین کسی درست بنده دنیاست»^(۱۲). در این مقوله می توان این چنین نتیجه گرفت كه: هدف افراد در سبک زندگی غير اسلامی سرگرمی و تجمل گرایی و فخر فروشی در دنیاست به همین خاطر با به دست آوردن هر چیز دنیایی به مطلوب خود می رسند؛ اما در سبک زندگی اسلامی، مؤمنان دنیا را نعمتی از سوی خدا می دانند كه حالتی دوسویه دارد یا موضوعی برای آزمون مؤمن است یا بازی و لعبی بیش نیست. مؤمن از دنیا برای رسیدن به قرب الهی استفاده می کنند وگرنه دنیا به خودی خود ارزش ذاتی ندارد. پس صفاتی چون تجمل گرایی و... به خودی خود در نگاه مؤمن جایگاهی ندارد.

۴. مصرف گرایی و اسراف

مصرف در لغت به معنای خرج کردن است^(۲۷). مصرف گرایی به معنای هدف قرار دادن دارایی مادی است. یکی از بازدارنده های فرهنگی و اجتماعی سبک زندگی اسلامی، مصرف گرایی است كه در جوامع آسیب پذیر غیرالهی و مصرفی به چشم می خورد. جوامع مصرفی، جوامعی هستند كه تولیدی ندارد و در لذت گرایی غرق شده اند. اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد اعتدال است^(۲۳). این مانع یکی از معضلات اقتصاد بیمارگونه است كه حاصل تحدید منابع، آلودگی های محیط زیست و فاصله ی اجتماعی و تشدید

غیراسلامی عامل و مانع اصلی سبک زندگی اسلامی است. لذا ترویج طلاق و جدایی بین همسران آسیب های زیادی به سبک زندگی اسلامی می زند و خود یکی از بازدارنده های جاری شدن سبک زندگی اسلامی است چرا كه شیوه و روش های اسلامی زیستن باید ابتدا از طریق خانواده و بعد محیط آموزشی و در مراحل بعدی رسانه ها و غیره به آن پیروزانند.

۲. ترویج فرهنگ تک فرزندی

مانع دیگر سبک زندگی اسلامی، تک فرزندی است كه در جوامع بسیاری از جمله در جامعه اسلامی به چشم می خورد. عاملی كه باعث این مسأله شده است را می توان در مواردی همچون نداشتن ایمان به خداوند، عدم امکانات رفاهی و مالی، تصمیم گیری غلط مسؤولان، فرد گرایی در زوجین، عدم مسؤولیت مادری و پدری در زوجین و غیره نام برد. در خانواده ای كه تك فرزند است مسائلی چون؛ تربیت منفی فرزند، عدم رشد عقلی و اجتماعی فرزند، تأثیر مستقیم زوجین در انتخابات فرزند و عدم بلوغ در تصمیم گیری، مراقبت بیش از حد، عدم استقلال، تسلیم پذیری، شكندگی و غیره به چشم می خورد. این مشخصات سبک زندگی غير اسلامی است چون اگر انسان اعتقاد به خداوند داشته باشد، خدا را رازق می داند و خود نیز دست از تلاش و كوشش برنمی دارد. در اسلام تشكيل خانواده قداست زیادی دارد، به این صورت كه برای ایجاد و تربیت انسان اصلاح، خداوند تمام آفرینش را به خدمت گرفته است. اسلام بدون هیچ قید و شرطی طرفدار كثرت امت مسلمان است، از سوی دیگر كثرت اولاد توسط پیامبر (ص) و امامان (ع) مورد تأکید قرار گرفته است، حتی داشتن امت زیاد جزء مباهات رسول خاتم (ص) است.^(۳۱) پیامبر (ص) نیز می فرماید: «... تَنَاجُوهَا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْاَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ... - ازدواج كنید و فرزندان خود را افزایش دهید، روز قیامت من به شما بر سایر امت ها افتخار می كنم...»^(۳۲) حال باید تذكر داد كه این روایات دال بر استحباب ازدیاد نسل است نه وجوب، چون امام علی (ع) در روایتی دیگر می فرماید: «كم بودن زن و فرزند یکی از دو آسایش است»^(۳۰) و یا در روایتی دیگر می فرماید «خیر آن نیست مال و فرزندان زیاد باشد»^(۳۱) هر چند در سبک زندگی اسلامی مخالفت جدی از نوع وجوبی با كنترل جمعیت دیده نمی شود و مخالفت از جهت استحباب است و مصالح اجتماعی مدنظر است. در سیستم تك فرزندی، تربیت فرزند مطابق سبک زندگی اسلامی اجرا نمی شود بلكه همه چیز مطابق امیال فرزند است. فرزند از دریای تربیت اسلامی هیچ سودی نمی برد. آنچه در این سیستم مورد توجه است تربیت انسان شایسته نیست. از این رو گرایش به سمت تك فرزندی مانعی برای تربیت فرزندان طبق فرمان های اسلام است. بی اعتنایی به تربیت فرزندان را می توان به عنوان مانع سبک زندگی اسلامی یاد كرد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «بهترین ارثی كه پدران برای فرزندان باقی می گذارند ادب شایسته است»^(۴) بی توجهی به تربیت فرزندان از زمینه های خاصی همچون عدم آگاهی از رابطه میان سعادت فرزند و والدین، بی توجهی به حق فرزندان، اقتصاد نامتعادل نشأت می گیرد؛ در مقابل می توان از راهكارهای خاصی برای برون رفت از این موانع سبک زندگی اسلامی نامبرده همچون اطلاع رسانی در زمینه ی حقوق فرزندان به زوجین از طریق رسانه ها، آموزش در مراکز فرهنگی، تقویت نهادهای انجمن اولیا و مربیان و غیره را نام برد.

رفتارهای غلط فردی و اجتماعی می‌باشد. اسراف در آیات و روایات به کل مذموم شده است^(۱) نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که بین مصرف‌گرایی و توسعه نیافتگی ارتباطی مستقیم وجود دارد، به این صورت که مصرف‌گرایی معضلی در مقابل توسعه جوامع است. در بین جامعه با سبک زندگی غیر اسلامی، این مانع باعث می‌شود روحیه راحت‌طلبی ترویج پیدا کند، افراد در این نوع جوامع، دارای قدرت تفکری ضعیف و اعتماد به نفسی پایین هستند، مصرف در این نوع جوامع، مصرفی بی‌رویه است. اسراف و زیاده‌روی همان‌طور که بیان شد یکی از موانع سبک زندگی اسلامی است که به معنای تجاوز از حد نام برده شد، اسراف در قرآن کریم در چهار مورد هشدار داده شده است، در ذیل به یک نمونه از آن اشاره می‌شود: «... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا...» و بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید^(۲). پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بخورید، بنوشید، صدقه دهید و بپوشید بی‌اسراف و تکبر»^(۳،۴) اسراف زمینه‌های خاصی دارد؛ این مانع بزرگ سبک زندگی اسلامی، با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، روحیه تنوع‌طلبی، رواج روحیه چشم و هم‌چشمی، فقدان تربیت تعالی، فقدان روحی قدرشناسی از زندگی و عدم احساس مسئولیت رشد می‌کند اما در مقابل این مانع می‌توان از راه‌کارهایی همچون: آموزش الگوی مصرف، تبیین ارزش قناعت و ساده زیستی و آموزش مراحل مختلف تولید محصولات نام برد. در ذیل به آیات و روایاتی دال بر این قضیه اشاره خواهد شد: «وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد^(۵). «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» چرا که تبذیرکنندگان (اسراف‌کاران) برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود^(۶). «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی بپوشید، و بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد^(۷). در کلام گهربار امام علی (ع) دستور به میانه‌روی و پرهیز از هرگونه اسراف شده است^(۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «روش ما اعتدال است و سنت ما رشد است. بر تو باد رعایت اعتدال در فقر و غنا»^(۹). می‌توان گفت: چنانچه الگوی مصرف در جامعه تصحیح شود و با تولید بالقوه منطبق گردد، جامعه مصرفی به جامعه تولیدی تبدیل خواهد شد؛ زیرا هرگونه اصلاح در نظام مصرف، باید مبتنی بر زیرساخت تولیدی جامعه باشد و امکانی را فراهم آورد که الگوی مصرف با پشتوانه‌ی تولید تجهیز شود. می‌توان این‌چنین نتیجه گرفت که مصرف در هر جامعه وابسته به فرهنگ و اصول اجتماعی آن جامعه است که با تغییر اندیشه، می‌توان سبک زندگی آن جامعه را تغییر داد که نتیجه آن تغییر الگوی مصرف است. برای این کار ابتدا باید الگوی صحیح مصرف را طبق ضرورت کشور و تفکر اسلامی بر مبنای ارزش‌های دینی همچون: قناعت، لزوم برآورده کردن نیاز سال^(۱۰)، دوری از اسراف و بهره‌مندی از مصرف درست^(۱۱) و... طراحی نمود تا مصرف‌گرایی در آن جامعه کمتر و کم‌رنگ شود. سبک زندگی اسلامی با بالا بردن سطح آگاهی فرهنگی مؤمنان، بهره‌وری تولید را افزایش می‌دهد.

۵. اعتیاد

اعتیاد در لغت به معنای عادت کردن یا خوی کردن به چیزی است^(۱۲). اما در اصطلاح به تمایل و نیاز شدید به ادامه استعمال دارو یا

هر چیزی گفته می‌شود که یک نوع وابستگی روانی و جسمانی به آثار آن دارو داشته باشد و تأثیر استعمال این دارو در شخص، مشخص است و نوعی اختلال روانی و فیزیکی در وی ایجاد می‌کند^(۱۳). اعتیاد یک مانع دیگری در سبک زندگی است که در خطوط بالا از آن یاد شد، اعتیاد دارای زمینه‌های خاصی است از جمله: خلاء روحی و عاطفی، محیط بد آموز، رقابت‌های ناباب، بحران بیکاری، احساس پوچی، احساس خودکم‌بینی، ضعف مبانی دینی و اخلاقی، اما در مقابل می‌توان راهکارهایی همچون دلمشغولی‌های سالم برای آدمی، توسعه دنیای ارتباطی سالم، همدلی با افراد، آموزش مهارت‌های زندگی، مسأله‌گشایی، آینده‌گرایی در برابر گذشته‌گرایی، تقویت رابطه با خداوند، مشاوره و روان‌درمانی فردی و گروهی به‌عنوان راه‌حلی برای رفع این مانع نام برد. اعتیاد به عنوان یک مانع فرهنگی است، کسی که معتاد است و گرایش به مواد مخدر دارد در واقع از حالت روحی و روانی مناسبی برخوردار نیست که طبق دستورات اسلام، انسان را درگیر معضلاتی می‌کند. از سوی دیگر به خاطر گرایش به سمت مواد افیونی، یک حالت عدم مسئولیت‌پذیری در انسان به وجود می‌آید؛ این مسأله باعث می‌شود این‌چنین خانواده‌هایی با مانع فرهنگی اعتیاد دست و پنجه نرم کنند. از عوارض و آسیب اعتیاد در زندگی انسان می‌توان به تهدید جدی سلامت فرد، تهدید سلامت اطرافیان، بدآموزی به فرزندان، زمینه‌سازی برای اعتیاد و اسراف اشاره کرد. عواملی که باعث ترویج این امر خانمان‌سوز می‌شود عبارت‌اند از: ارضای نیاز به شهرت یا همان خودبزرگ‌بینی، به فراموشی سپردن مشکلات، وسوسه‌پذیری، تقلید رفتارهای پیشین، عادی شدن یک پدیده ناهنجار، تأثیر فیلم‌ها و سریال‌ها، دسترسی ارزان و آسان تنهایی مداوم و اختلال در ارتباطات انسانی را می‌توان به عنوان عوامل پیش زمینه اعتیاد نام برد. برای درمان این موانع سبک زندگی اسلامی می‌توان از شیوه‌های گروه درمانی، تقویت و افزایش روابط اجتماعی، تقویت حس خودباوری و عوامل جایگزین سالم استفاده کرد. حال با توجه به این‌که خداوند به انسان کرامت ذاتی و عزت نفس عطا کرده است، در صورت معتاد شدن باعث می‌شود انسان خویشتن خویش را در معرض آسیب‌های گوناگون قرار دهد و به خویشتن ظلم می‌کند. در سبک زندگی اسلامی یکی از حق‌هایی که خداوند از انسان سؤال می‌کند در مورد خویشتن خویش انسان است، پس کسی که به خود آسیب می‌زند، دارای سبک زندگی غیراسلامی است. افراد معتاد به مرور از حافظه ضعیف و عقل کم‌تری برخوردار می‌شوند و قدرت تعقل را از دست می‌دهند. زبان‌های روانی شخصیتی اعتیاد بیش از آسیب‌های بدنی آن است. فرد معتاد، رابطه عاطفی و محبت‌آمیزی با خانواده خود ندارد، لذا خانواده‌ای آشفته دارد. معتادان غالباً دچار اضطراب، احساس تنهایی و خستگی، تنفر از زندگی، خمودگی، رکود فکر، گرایش به افسردگی، فقر در روابط عاطفی و احساس بی‌کفایتی می‌شوند؛ همین حالات ناشی از اعتیاد، آنان را بیشتر در گرداب اعتیاد فرو می‌برد. فرد معتاد تصور می‌کند که مواد مخدر مشکلات روانی او را برطرف می‌سازد؛ ولی متوجه نیست که بعد از اعتیاد نه تنها شخصیت او را وابسته‌تر می‌سازد، بلکه به انزوای اجتماعی بیشتر می‌انجامد. اعتیاد، مسئولیت‌پذیری و قید و بندها را از بین می‌برد و فرد معتاد به هیچ چیز، جز به دست آوردن مواد، به هر قیمت ممکن، فکر نمی‌کند و به شرع، عرف و اخلاق تعهد ندارد. درحالی‌که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) درباره اخلاق نیکو فرمودند: «حَسَنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ - اخلاق نیک نصف دین است»^(۱۴). در سبک زندگی اسلامی، دین بر اختیار و آزادی انسان تأکید

دارد. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» - ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس^(۱۱). به همین خاطر انسان در قبال تمامی اعمالش مسؤول است و می‌فرماید: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» - هیچ کس نمی‌تواند بر کار او خرده بگیرد ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد^(۱۲). در خصوص مسئولیت می‌فرماید: «... وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ...» - هیچ کس، چیزی نیندوخت مگر بر خود، و هیچ نفسی بار (گناه) دیگری را بر دوش نگیرد. سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و او شما را به آنچه خلاف در آن می‌کردید آگاه خواهد ساخت^(۱۳).

هرچند اعتیاد در معنای امروزی در صدر اسلام مطرح نبوده و ائمه اطهار (ع) به این صراحت آن را مطرح نکرده‌اند، چون دین مبین اسلام، آیینی جاودان و پویاست، پس می‌توان حکم شرعی مسائل دینی هر چیزی را از آن استنباط کرد. اعتیاد با داشتن خصوصیتی همچون خطرآفرین بودن و هلاکت، در اسلام با حرمت مواجه شده است. «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى أَنْتَهُلِكُمْ» - و خود را به دست خود، به هلاکت نیافکنید^(۱۴). علامه طباطبایی نهدی در آن را نهی از تمام رفتارهای افراطی و تفریطی می‌داند^(۱۵). «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ غَدَوَانًا وَ ظَلَمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا - و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است. و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به‌زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است^(۱۶). در تفسیر این آیه، علامه طباطبایی مصرف مواد مخدر را از مصادیق خودکشی و انتحار دانسته و مجازاتش را جهنم می‌داند. چون شخص معتاد، انسان سالمی با همه سرمایه مادی و معنوی را از بین برده است^(۱۷). حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «هم‌نشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند»^(۱۸). البته امام خمینی (ره) در استفتائاتش فرموده است: هروثین حرام و ارتزاق به آن جایز نیست^(۱۹). امام از اعتیاد به‌عنوان یک توطئه قدرت‌های بزرگ جهانی نام می‌برد. مقام معظم رهبری (مدظله) هم استعمال مواد مخدر و استفاده از آن را به خاطر ضررهای فردی و اجتماعی مطلقاً حرام می‌داند و دسیسه‌ای از جانب استکبار جهانی می‌داند^(۲۰).

ب- راهکارهای فرهنگی

برخی از راهکارهای فرهنگی در تحقق سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه عبارت‌اند از: تقدس خانواده، فرزندآوری و فرزند پروری در اسلام، ترویج فرهنگ ساده زیستی، ترویج الگوی صحیح مصرف، استقلال و خودکفایی.

۱. قداس خانواده

خانواده در سبک زندگی اسلامی، نخستین نهاد اجتماعی است که مهم‌ترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر در امتداد تاریخ انسان از خود نشان داده است و این نهاد اجتماعی از ارزش و قداس خاصی برخوردار است. تأثیر خانواده بر رشد، تعالی و شکوفایی افراد و جامعه از هیچ کس پوشیده نیست. با توجه به این که دین مبین اسلام جایگاه والایی در اخلاق و معنویت انسان‌ها دارد، لذا در این زمینه آموزه‌های مهمی ارائه کرده است. در همین راستا آخرین دین الهی یعنی اسلام، خانواده را از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحدهای اجتماعی می‌داند. اساس خانواده در سبک زندگی اسلامی بر اُلفت، همدلی و خوشی استوار است.

همچنین یکی از محبوب‌ترین بناها در پیشگاه خداوند است که روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذاری شده است. نهاد خانواده از منظر اسلام، دارای حیات و قداس ویژه‌ای است که قابل قیاس با هیچ نهاد اجتماعی دیگری نیست؛ از این رو فردگرایی به مثابه موضوعی در مقابل تشکیل خانواده، در اسلام به هیچ وجه مد نظر نبوده است. هرچند افراد در نهاد خانواده اسلامی دارای حقوق، تکالیف و وظایف فردی می‌باشند به این معنا با توجه به این که اسلام برای تشکیل خانواده قداس بالایی قائل است، لذا به هیچ وجه حقوق افراد را نادیده نگرفته است. خانواده سالم نقش مهمی در رشد و ارتقای اعضا و پویایی جامعه ایفا می‌کند، ارضای صحیح قوای جنسی در خانواده، زمینه‌ساز سلامتی زوجین و سلامت اجتماعی است که مصونیت اخلاقی جامعه را به دنبال دارد. از سوی دیگر بهترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزندان، خانواده است که زمینه سلامت نسل و انتقال ارزش‌های اخلاقی است. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّوْجِيعِ» - در اسلام بنیادی نهاده نشده است که نزد خدا از ازدواج محبوب‌تر باشد^(۲۱). آنچه حائز اهمیت است این که منابع اسلامی بر این مورد که تشکیل خانواده زمینه‌ساز رشد و کمال است، تأکید می‌ورزند و از سوی دیگر مجردی و عزوبت را، زمینه‌ساز انحطاط و عقب‌ماندگی می‌دانند. رسول خاتم (ص) می‌فرماید: «رَغَمَتَانِ يُصْلِيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبَ يَوْمٌ لَيْلَةً وَ يَصُومُ نَهَارَةً» - دو رگمت نمازی که مرد متأهل می‌خواند، برتر از (عمل) مرد مجردی است که شبش را به عبادت و روزه را به روزه‌داری می‌گذراند^(۲۲). در قرآن و نهج‌البلاغه زوجین با داشتن اعتقاد به خدا، رسالت و الگوگیری از پیامبر (ص)، امامت و ولایت‌مداری، اعتقاد به تمام صفات الهی، عدل‌محوری، وجود امام غایب (عج الله فرجه شریف) و مدد از وی و... خانواده را از نهاد جنسی مشروع صرف، به بستری فرهنگی تبدیل کرده‌اند که این چنین خروجی آن، انسانی صالح و مصلح خواهد بود. پس در سبک زندگی اسلامی تشکیل خانواده دارای حکمت‌های فراوانی است از جمله: بقای نسل انسان، امنیت و آرامش، کمال و پویایی جامعه، گشایش روزی، لباس و زینت هم بودن، تقوا و... در تفسیر علامه طباطبایی (ره) بیان شده است: «هر یک از زن و مرد به دستگاه خاصی مجهز شده است، به گونه‌ای که در عمل، هریک کار دیگری را تکمیل می‌کند و تولید نسل، برآیندی از مجموع آن دو است؛ پس هریک از زن و مرد فی نفسه ناقص و نیازمند دیگری است و از مجموع آن دو، یک واحد تام به وجود می‌آید که می‌تواند موجب تولید نسل شود، به دلیل همین ناقص و نیازمندی است که هر یک از آن دو به‌سوی دیگری کشیده می‌شود تا با پیوند با او آرامش یابد؛ زیرا هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر نیازمندی، به کسی یا چیزی مایل است که نیاز او را برطرف سازد»^(۲۳). علامه طباطبایی (ره) در مورد مودت در خانواده آورده است: «خانواده یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های مودت و رحمت است، که از یک طرف دو زوج را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از طرف دیگر، موجب می‌شود که هر دو به ویژه زن، بر فرزندان خردسال خود که در تأمین نیازهای جسمانی و حیاتی خویش عاجز و ضعیف‌اند، مهر بورزند و به پناه دادن، نگهداری، پوشش، تغذیه و تربیت آن‌ها اقدام کنند و اگر این مهرورزی نبود، نسل بشر منقرض می‌شد و نوع انسان هیچ‌گاه امکان تداوم حیات نمی‌یافت»^(۲۴). «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» - مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر

دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است»^(۱). «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي - هرکس ازدواج کند، نصف دینش را احراز کرده است، پس نصف باقی‌مانده را نگهداری کند»^(۲). «نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ - زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که خواستید، به کشتزار خود درآیید»^(۳). با مطالعه زندگی پر بار امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌توان فهمید، خانواده که هسته اصلی جامعه است برای پویایی و اعتدال این بنای مقدس، به اصولی همچون: دوری از انتظارات زیاده از حد^(۴)، وفای به عهد و دین‌داری^(۵)، محبت اعضای خانواده به همدیگر^(۶)، سازگاری بین همسران^(۷)، همکاری و تقسیم‌کار^(۸)، صمیمیت و به کار بردن سخن زیبا^(۹)، توجه به روحیه همسران^(۱۰)، صبر در زندگی^(۱۱) و... نیازمند است؛ بنابراین مهم‌ترین بستر تحقق و جاری سازی سبک زندگی اسلامی، خانواده است.

۲. فرزندآوری و فرزندپروری

به عنوان مقدمه باید گفت در سبک زندگی اسلامی نخستین مرحله شکل‌گیری خانواده، ازدواج است و بعد از آن فرزندآوری اهمیت به‌سزایی دارد^(۱). در کل ادیان الهی بر افزایش نفوس و ازدیاد نسل تأکید فراوانی داشته‌اند. قرآن نیز زاد و ولد را نعمتی از جانب خدا به پرهیزگاران می‌داند^(۲). فرزندپروری از نگاه سبک زندگی اسلامی آن‌گونه حائز اهمیت بوده است که رسول خاتم (ص) در این باره فرموده است: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرهایی که هیچ یک از کارهای لازم و واجب را به آن‌ها نمی‌آموزند و هنگامی که خود فرزندان می‌خواهند به فراگیری علم بپردازند، به خاطر کمی مال دنیا، مانع می‌شوند؛ من از این نوع پدران بیزارم و آن‌ها هم از من بیزار خواهند بود»^(۳). در این مورد آن‌چه حائز اهمیت است این‌که منابع اسلامی بر تکتیر جمعیت شایسته و صالح تأکید دارد. پیامبر (ص) می‌فرماید: «ازدواج کنید که من به زیادی جمعیت شما مسلمانان، بر ملل دیگر افتخار می‌کنم»^(۴). چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چارچوب خانواده، از عوامل تأثیرگذار بر رشد ابعاد وجودی فرزندان است که در منابع اسلامی، فرزندپروری به همراه فرزندآوری مورد توجه قرار گرفته است و تربیت فعالیتی است اعم از رفتار، آموزش و روش‌هایی که در ابعاد فردی و اجتماعی بر رشد معنوی، عاطفی و... فرزند تأثیر می‌گذارد. باتوجه به این‌که در دنیایی که روش‌های متفاوتی برای فرزندپروری، از جمله روش‌های روان‌شناسی به کار گرفته شده است، قرآن و نهج‌البلاغه هم در برابر ترویج فرهنگ تک فرزندی، بر فرهنگ فرزندآوری و فرزندپروری تأکید دارد. همچنین تأکید وافر بر درستی تربیت فرزند و تربیت بر اساس فطرت انسانی داشته است. آن‌چه حائز اهمیت است، توجه به این مطلب است که خداوند بر سبکی مسؤولانه در رشد و تربیت شخصیت فرزند توسط والدین در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی تأکید داشته است تا فرزندان به صورت هنجار رشد کنند. در نگرش سبک زندگی اسلامی، فرزندان دارای حقوقی هستند که والدین باید در مسیر صحیح آن‌ها را مهیا کنند. انسان دارای مقام خلیفه‌اللهی و مستعد اتصاف به همه‌ی کمالات است پس رسیدن به آن مقام والا در گرو تربیت صحیح است. زمینه این مسیر صحیح، نگرش مثبت داشتن والدین نسبت به فرزندان است؛ در گام بعدی

تربیت آن‌ها در راستای مظهریت صفات الهی است؛ با این اوصاف در حقیقت باید گفت در سبک زندگی اسلامی فرزندان به عنوان نعمت الهی، جزئی از وجود والدین و امانتی در دست والدین هستند^(۵). باتوجه به این‌که از دیدگاه اسلام، در دوران کودکی مسئولیت تربیت فرزند بر عهده‌ی پدر و مادر است و یکی از حقوق فرزندان بر والدین به شمار می‌آید، امام صادق (ع) از سه حق اولاد بر پدر سخن می‌گوید که یکی جدیت در تربیت اوست؛ ایشان می‌فرمایند: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت»^(۶). در روایات متعدد به فرزند با نگرش مثبتی توجه شده است؛ از جمله با عنوان میوه دل^(۷)، نوردیده^(۸)، مایه ثواب و پاداش اخروی، رحمت و غفران الهی و یاریگر انسان و... معرفی شده است^(۹). با توجه به مقدمات ارائه شده، باید گفت: در سبک زندگی اسلامی، فرزندآوری صرفاً کثرت آدمی نیست، بلکه به منظور ایجاد فرزند صالح و مصلح است که یکی از باقیات و صالحات مسلمان است. با این تذکر باید گفت والدینی که معتقدند وظیفه پدری یا مادری یک مسئولیت الهی و مقدس است، سعی می‌کنند در ایجاد ارتباط و حفظ آن، به شکل مطلوب و مؤثری نقش ایفا کنند؛ به این دلیل که ارزش هر امر مقدسی فراتر از امور مادی است. لذا تعلیم و تربیت انسان صالح و مصلح در سبک زندگی اسلامی، دارای ارج و قرب الهی است پس فرزندآوری و فرزندپروری امری مقدس و معنوی است و تناسب بیشتری با بعد اصیل انسان پیدا می‌کند. به همین دلیل در این امر مقدس در آموزه‌های اسلامی تأکید فراوان شده است که اگر امت اسلامی کثیر باشند، روشنی چشم پیامبرند که نشانگر تقدس و ارزش معنوی تعلیم و تربیت اسلامی بر فرزندان و ایجاد امت صالح و مصلح است. مسأله فرزندآوری در اسلام صرفاً زاد و ولد نیست. همچنان که در سخنی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «روش مناسب در تربیت روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد؛ ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیاندیشد؛ زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد»^(۱۰). می‌توان گفت فرزندآوری همراه با مناسب‌ترین اصول تربیتی که در سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. روش تربیتی مسئولانه بر محور تعادل است و بهترین پاسخ‌دهی به فرزند محبت است؛ چون از افراط و تفریط به عنوان جهالت یاد شده است^(۱۱). از اهمیت و فواید فرزندآوری می‌توان توسعه ارتباطات انسانی، طلوع امید و آرزوهای جدید، تداوم زندگی، کمال عشق، تأمین نیازهای روحی، استحکام پیوند خانوادگی، شور و نشاط مضاعف و پویایی خانواده را نام برد^(۱۲). امام علی (ع) روش تربیتی مستبدانه را بر فرزندان نهی کرده و آن را عامل هلاکت می‌داند. رعایت این مسأله در فرزندآوری و فرزندپروری حائز اهمیت است. «در رأی خود استبداد نظر نداشته باش که هرکس استبداد داشته باشد، هلاک می‌شود»^(۱۳). می‌توان اهداف فرزندپروری را در سبک زندگی اسلامی شامل مواردی همچون شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادها، تحول از حیات طبیعی به حیات معقول، شناساندن حقیقت انسان به فرزند، تدارک قابلیت اجتماعی و بسط شخصیت دانست؛ البته مواردی همچون وراثت، محیط طبیعی، نظام آموزش و پرورش، اراده خودساز شخصیت و مسائل این چنینی نیز مؤثر است^(۱۴). امام علی (ع) در مورد شیوه صحیح فرزندآوری و بالأخص فرزندپروری می‌فرماید: «آداب و رسوم خود را بر فرزندان به زور تحمیل نکنید؛ زیرا آن‌ها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند» (رضی، پیشین، نامه‌ی ۳۱). عامل

و بی تکلف است^(۳۱). شخصی که زندگی اش ساده و کم خرج است، ساده زیست است. شخص ساده زیست، فقیر نیست بلکه در عین امکان استفاده از امکانات، از آن ها صرف نظر می کند. در قرآن کریم اشاره صریح به آثار ساده زیستی وجود ندارد؛ اما روایات فراوانی از امامان (ع) مبنی بر ساده زیستی وجود دارد. البته نباید تصور شود که ساده زیستی به معنای ریاضت کشی است؛ ساده زیستی، راحتی و آسایش روحی را به همراه دارد که در سبک زندگی اسلامی، آسان گیری در زندگی بیان می شود؛ این آسان گیری با فضیلتی همچون قناعت شکل می گیرد. امام علی (ع) می فرماید: «گنجی را بی نیازکننده تر از قناعت و هیچ مالی را با برکت تر از بسنده کردن به روزی روزانه نمی دانم»^(۳۵). ساده زیستی، نقش مهمی در رشد فردی و اجتماعی دارد؛ به طوری که حق پذیری و حق پرستی، رشد دنیوی و اخروی، آسودگی خاطر، رشد فکری و رفتاری، حکمت و بصیرت، رشد اعتقادی، گفتاری و رفتاری و شناخت عیوب دنیا و موفقیت در عمل از آثار ساده زیستی است که در هر زمینه وارد شود، باعث رشد و تعالی زندگی فردی و اجتماعی اشخاص می شود. این راهکار در سبک زندگی اسلامی ممکن است دچار بازدارنده هایی همچون: رفاه زدگی و تجمل گرایی که باعث گسترش فساد، سقوط و نابودی، انحطاط اخلاقی، تقسیم غیر عادلانه ثروت و تبعیض های ناروا، اسراف، کم رنگ شدن ارزش ها و غیره شود. تجملات در زندگی باعث مشغولی خاطر انسان ها می شود که همواره تلاش بیهوده و ناراضی را به همراه دارد و همچنین خستگی مفرط با این رذیله همراه است؛ که لذت زندگی درست را از انسان می گیرد. صد البته انسان خواسته های نامحدود و سیری ناپذیری دارد؛ این مسأله باعث می شود، فرد تجمل گرا، هیچ وقت در زندگی آسودگی نداشته باشد. ساده زیستی باعث موفقیت در زندگی است؛ چون آدمی مشغول مسائل جزئی نمی شود و امورات ساده و کافی دارد. به بیان بهتر قناعتی زیبا دارد؛ به گونه ای که ساده زیستی نوعی سرمایه اندوخته است و این سرمایه را برای نیازهای واقعی به کار می برد. نیاز اصلی انسان، تعالی است، شخص متعالی سبک- بار است و وابسته به هیچ نمی شود و از هر چیز استفاده می کند که به آن هدف اصلی خود برسد. امام علی (ع) می فرماید: «تَخَفُّوا تَلْحَقُوا - سبک بار شوید تا زودتر برسید»^(۱۵). راز قدرتمندی انبیای الهی در ساده زیستی آن ها بود. «و لکن الله سبحانه جعل رسله اولی قوه فی عزائمهم و ضعفه فیما تری الاعین من حالاتهم مع قناعت تملأ القلوب و العیون غنی و خصاصة تملأ الابصار و الاسماع اذی - لکن خدای سبحان، فرستادگان خود را در اراده و تصمیم هایشان نیرومند و توانا گردانید و در حالاتشان که به چشم دیگران می آید، ضعیف و ناتوان قرارشان داد. با قناعتی که دل ها و چشم ها را از بی نیازی پر می کرد و با تنگ دستی و فقری که چشم ها و گوش ها را از رنج پر می نمود»^(۱۵). امام علی (ع) می فرماید: «موسی با برادرش هارون بر فرعون وارد شدند، در حالی که لباس های پشمین بر تن داشتند و در دست هر کدام عصایی بود؛ او شرط کردند که اگر تسلیم فرمان پروردگار شوی، حکومت تو باقی می ماند و عزت و قدرتت دوام می یابد»^(۱۵). ساده زیستی به انسان آزادی می بخشد، رهبران الهی، افراد ساده زیستی بودند و لذت های خدا را بر خود حرام نکردند، اما آزادی خود را به هیچ چیز نفروختند و خود را به مثابه شیء نکردند؛ از سوی دیگر ساده زیستی با زندگی پر از تجمل نمی سازد چون آزادی و آزادی را از فرد سلب می کند^(۳۱). شخص ساده زیست، زندگی بی تکلف و ساده ای دارد؛ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ خَفِيفَ الْمَوْزَنَةِ»^(۱۰)؛ ۲؛ لذا باید نتیجه گرفت که در سبک زندگی اسلامی فایده ساده زیستن، در

مهم دیگر در فرزندپروری در منظر سبک زندگی اسلامی، استفاده نکردن از خشم و غضب در پرورش فرزندان است^(۳). چرا که موفقیت فرزندان در پرورش اسلامی در سایه برقراری ارتباط کلامی بدون هر نوع خشم و غضبی به وجود خواهد آمد. توجه والدین به بُعد معنوی و تربیت دینی، امنیت روانی، محبت، احترام، درک متقابل، خود شکوفایی، پرورش تقوا و صبر فرزندان، عاملی برای افزایش استحکام و مقاومت فرزندان در برابر سختی ها و مشکلات است^(۶). در خطبه حضرت زهرا (س) آمده است: «فَرَضَ اللَّهُ صَلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَا لِلْعَدُوِّ - خداوند صله رحم را برای زیاد شدن نفوس واجب کرده است»^(۳۰). علامه طباطبایی (ره) نیز مهم ترین مقاصد شریعت را تکثیر نسل مسلمانان برای زدودن بنای شرک و فساد می داند^(۲۰).

آیت الله مکارم نکاتی در این مورد گوشزد نموده اند: «به مقتضای «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا فَإِنَّی أَبَاهی بِکُم الْأُمَمِ یوم القیامة و لو بالسقط» و امثال آن دلیل روشنی است که افزایش نفوس مطلوب شارع است»^(۳۳). از نظر اصولی ظاهر روایات در میان شیعه و سنی این است که افزایش جمعیت مسلمین مطلوب است، از آیات و روایات استناد می شود، کثرت مطلوب است که سبب قوت شود»^(۳۳). می توان گفت این مسئله مطلوبیت فی نفسه ندارد بلکه مطلوبیت تکثیر نسل، به خاطر تأثیر آن در قدرت و قوت مسلمانان در برابر دشمنان است؛ این مطلوبیت به همان ارج و ارزش تربیت شخص موحد در مسیر الهی برمی گردد که در ساختن جامعه توحیدی تأثیر مثبت داشته باشد. در نهایت باید گفت در سبک زندگی اسلامی با توجه به قداست خانواده تأکید بر گسترش انسان صالح و مصلح داشته اند و از ابتدا تا انتها تمام اصول به کار رفته در خانواده، بر پایه اصول ولایت مداری و توحیدمداری است. فرزندان در سبک زندگی اسلامی یکی از عواملی هستند که والدین با آن ها امتحان می شوند: حال در قرآن کریم تکریم والدین به فرزند زیاد بر دیگری، عاملی برای سقوط مؤمنان است^(۱)؛ تا حدی که همین تفاخر و تکاثر طلبی، مؤمنان را از خود و خدا جدا می کند و موجبات شرک، کفر، انکار قیامت و معاد ایشان را فراهم می آورد^(۱). می توان نتیجه گرفت همان طور که در بازدارنده های فرهنگی بیان شد، تک فرزندی نتیجه سبک زندگی تجمل گرایانه، تغییر سبک زندگی ها به سوی رفاه طلبی بود. در برابر آن ادیان الهی همگی بر تکثیر جمعیت تأکید داشتند که صرف زاد و ولد منظور نبود، بلکه ایجاد محیطی شرعی و سالم برای تعالی انسان های صالح و شایسته منظور بوده است که هرچه تعداد این افراد زیادتیر باشد، می توان جامعه متعالی و هم راستا با اهداف الهی پرورش داد.

۲. ساده زیستی

اشرافی گری و زندگی های پر از تجملات امروزی مخالف سبک زندگی اسلامی است. این نگاه افراطی برای به دست آوردن مادیات و زرق و برق های دنیوی، اشخاص را دچار عطش می کند؛ در حالی که اصلاً توان مالی آن را ندارند، اما کل زندگی خود را وقف آن می کنند، تا از افراد دیگر عقب نمانند. از نظر امام علی (ع) زرق و برق های دنیا، عقل ها را فاسد می کند^(۸). در سبک زندگی اسلامی در برابر تجمل گرایی، ساده زیستی ارائه می شود؛ بر خلاف تجمل گرایی که تلاش بیهوده و جان فرسا به همراه افسردگی و استرس را به خانواده منتقل می سازد، در ساده زیستی شخص دارای آسودگی روحی است. امام علی (ع) می فرماید: «الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ وَ مَطْیَةُ التَّعَبِ - شیفتگی دنیا، کلید دشواری و مرکب گرفتاری است»^(۱۵). ساده به معنای بی نقش و نگار، آسان

راه‌یابی به پاک‌ی و پاکیزگی و دوری جستن از آلودگی‌ها و پلیدی‌هاست. اسلام با ارائه الگوهای همچون انبیاء و اولیاء‌الله و حاکمان اسلامی سعی در نشان دادن بهترین سبک مالی زندگی دارد. فرهنگ ساده‌زیستی در اسلام، یک الگو برای مقابله با مشکلات سخت اقتصادی است. امام علی (ع) ساده‌زیستی را به صورت عملی در زندگی خویش نشان دادند و با اشرافی‌گری شدیداً مقابله کردند و با افراد اشرافی مسلک قاطعانه برخورد کردند تا از آن رفتار دست بردارند.^(۲۹) در اسلام هم فقر و هم ثروت نکوهش شده است. از نگاه امام (ع) هر دو می‌توانند بر سبک زندگی اسلامی یک شخص، تأثیر منفی داشته باشند. امام (ع)، خود، ساده زندگی می‌کردند و قناعت داشتن را به عنوان امام و امیرمؤمنان نیک می‌دانست.^(۸) امیرمؤمنان امام علی (ع) بهترین اقتصاد را بر مبنای قناعت پایه‌ریزی می‌کند؛ به این معنا که اقتصاد واقعی به معنای مصرف به مقدار کفایت است؛ در این اقتصاد، جامعه مصرف‌گرا و اسراف‌گرا جایی ندارد. لذا با این راهکار می‌توان گفت نه تجمل و نه زهدگرایی هندویی در سبک زندگی اسلامی، جایگاهی ندارند؛ بلکه توجه به مؤلفه‌های ارائه شده در ساده‌زیستی به ما این پیام را می‌دهد که یک شخص مسلمان و یک جامعه مسلمان باید در بالاترین فتاوری و رفاه باشد، اما عاری از هرگونه صفت تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی اخلاقی باشد، چون رکود را به دنبال خواهد داشت.

۳. الگوی صحیح مصرف و توجه به تولیدات داخلی

یکی از اصول اساسی اقتصاد اسلامی در سبک زندگی اسلامی، داشتن الگوی صحیح مصرف است. مصرف یکی از راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان است که بدون داشتن الگویی صحیح از آن، حیات مادی و معنوی انسان‌ها و جوامع دستخوش نابسامانی خواهند شد. به این صورت که جوامع در مصرف‌گرایی در سرایشی سقوط قرار می‌گیرند و دچار انواع ناهنجاری‌ها خواهند شد. اصلاح الگوی مصرف یکی از ویژگی‌های مختص به سبک زندگی اسلامی است، که دقیقاً مقابل اسراف‌گرایی است. داشتن الگوی مصرف، نقش تعیین‌کننده‌ای در شیوه زندگی اسلامی دارد. یک فرد مسلمان با آگاهی از فرهنگ مصرف از اسراف و تجملات، دوری می‌کند و با رعایت الگوی صحیح مصرف در پی متعادل ساختن صحیح و منطقی امکانات و منابع موجود است؛ به این صورت که از هرگونه اتلاف و هدر رفت سرمایه‌های موجود جلوگیری می‌کند. گسترش مصرف‌گرایی و ضعف در مدیریت ملی مصرف، تأثیرات زیان‌باری بر فرهنگ و اقتصاد یک جامعه وارد می‌کند؛ به این صورت که باعث اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی، تضعیف فرهنگ و بازار کار و سرمایه‌گذاری، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، فراموشی و به حاشیه رفتن فرهنگ تولیدی، گسترش هویت‌های وارداتی و افول تدریجی هویت اسلامی، افزایش وابستگی ملی و تضعیف استقلال اقتصادی و در بلندمدت تضعیف نظام سیاسی خواهد شد. در منابع اسلامی از سرمایه‌ها به عنوان نعمت‌های الهی تعبیر می‌شود، این نعمت‌ها شامل تمامی الطاف الهی به انسان است: «آتَاکُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ - و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد»^(۳۰). همه آن چیزی را که انسان برای نیل به همه قابلیت‌هایی که برای او مقدر شده است، مدنظر است.^(۳۱) در مصرف صحیح، واژه شکر نعمت و کفر نعمت به کار رفته است که نشان از به کارگیری قواعدی است که در بهره‌گیری از این نعمت‌ها حاکم است. «ثَنِّ شُكْرُكُمْ لَا يَزِيدُكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ - اگر شکرگزاری کنید،

(نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است»^(۳۲). در آیاتی اشاره شده است که روزی در قبال تمامی نعمت‌های الهی از انسان سؤال خواهد شد: «ثُمَّ تَسْأَلُنْ يَوْمَئِذٍ عَنْ النِّعَمِ - سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد»^(۳۳). در سبک زندگی اسلامی درباره یادآوری نعمت‌ها و هوشیار کردن جامعه سخن گفته‌اند: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»^(۳۴). در الگوی صحیح مصرف، برنامه‌ریزی برای مصرف تمام نعمت‌های الهی است. مسلمان به خاطر تسلط و تصرف کامل بر طبیعت به اذن الهی، باید ارزش‌هایی را در نظر بگیرد که از هدر رفتن منابع جلوگیری کند. از منابع مصرفی در هدف الهی و رسیدن به مقام خلیفه‌الهی استفاده کند. بر خلاف نگاه مصرفی در چارچوب اسلامی، انسانی جایگاه متعالی دارد که خلاق باشد و نگاه تولیدی به منابع داشته باشد. از نگاه نظام الهی هرگونه اسراف و تبذیر در مصرف منابع، موجب هدر دادن آن می‌شود. در قرآن کریم از اسراف‌گران به عنوان برادران شیاطین نام برده می‌شود: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»^(۳۵). در سبک زندگی اسلامی، فرهنگ‌سازی مصرف به همراه احساس مسئولیت است؛ «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ - آن‌ها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند»^(۳۶). امام علی (ع) انسان‌ها را مسئول همه چیز دانسته است، می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ - درباره مردمان و شهرها از خدا پروا داشته باشید؛ زیرا شما حتی درباره آبادی‌ها و حیوانات مسئول هستید»^(۳۷). در منابع اسلامی، مسئولیت انسان‌ها در قبال تمامی موجودات است^(۳۸). الگوی مصرف در منابع اسلامی تنها با مدیریت صحیح مصرف، امکان اجرایی شدن دارد. در جامعه اسلامی خرج تراشی بیهوده، اتلاف بیت‌المال، حتی گماشته شدن افراد نامتخصص در کارها به عنوان هدر دادن سرمایه‌های ملی کشور به شمار می‌آید؛ چون باعث صرف هزینه فراوان از بیت‌المال می‌شود. شاید همواره در جاده‌سازی، کانال‌کشی خیابان‌ها، جدول‌گذاری خیابان‌ها، سدسازی‌ها و غیره این مطلب را شاهد باشیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما ابالی إلی مَنْ أَثْمَنْتُ خَائِنًا أَوْ مُضِيعًا - از نظر من، تفاوتی نمی‌کند که به خائن اعتماد کنم، یا به ضایع کننده»^(۳۹). امام (ع) «نابود کردن و تضييع کار» را در ردیف «خیانت در کار» قرار داده است. یکی دیگر از اصول اساسی الگوی صحیح مصرف در سبک زندگی اسلامی، داشتن میانه‌روی و اعتدال در مصرف و بهره‌وری است؛ به گونه‌ای که مصرف باعث هدر دادن نعمت‌های حلال خدا نشود و از دیگر سو باعث محرومیت از لذت‌های حلال هم نشود. اولویت‌بندی در مصرف طبق مقتضیات زمانی مسأله مهمی در احیای سنت بیت‌المال است. تخصیص درآمد و مصرف صحیح و جلوگیری از تضييع حقوق افراد در سبک زندگی اسلامی امری فوق‌العاده مهم است. توجه به استفاده و نیاز افراد به کالاهای مصرفی و خدمات، انتخاب این مواد طبق نیازمندی‌های ضروری، کیفیت‌مداری و محکم‌کاری، کار و تلاش، رفع نیازهای پدر و مادر، فرزندان، همسر و غیره در الگوی مصرف در سبک زندگی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارند. امام علی (ع) تنبلی و ناتوانی را عاملی برای فقر و عقب ماندگی می‌داند: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَجَ الْكَسْلُ وَالْعَجْزُ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ»^(۴۰) لذا می‌توان نتیجه گرفت در سبک زندگی اسلامی، مصرف بر اساس نیاز حقیقی است نه بر پایه نیاز کاذب و زیاده‌خواهی؛ یعنی به جای مصرف‌گرایی، تضييع منابع و غیره باید به سوی خودکفا شدن و اصلاح الگوی مصرف با شرایط ارائه شده رفت؛ به صورتی که آن را در جامعه اسلامی به مثابه فرهنگی

می‌داند (۲۰). می‌توان این چنین نتیجه گرفت: با توجه به ارجاعات در آیات و تفاسیر، تمام حکم‌ها در مورد مواد مخدر، حکم حرام است؛ به این دلیل که تمامی سرمایه‌های انسانی هدر می‌رود و اموال و سرمایه‌های مادی تلف می‌شود و عمری که باید در راه تعالی به کار می‌رفت، تباه گشته و خانواده و جامعه نیز دچار خسارت می‌شود. جامعه‌ای که دچار معضل اعتیاد شده است دچار رکود و بی‌غیرتی است، تمام منابع خویش را از دست داده و طفیلی در دست بیگانگان خواهد بود چون توان هیچ گونه تصمیم‌گیری ندارد. از این رو در سبک زندگی اسلامی، طبق آیات الهی رهایی از هر نوع وابستگی باعث می‌شود جامعه اسلامی شیوه صحیحی در رشد و تعالی افراد داشته باشد و از هرگونه انحطاط درونی به دور باشد.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی، که معادل عربی آن نهج‌الحیاه و معادل انگلیسی آن life style است، به معنی روش زندگی کردن و به عبارت ساده شامل باورها، بینش‌ها و اعتقادات هر فردی در زندگی‌اش است. در بین انواع سبک‌های زندگی بهترین و مناسب‌ترین روش، از آن اسلام است. سبک زندگی به عنوان مفهومی ساده، قدمتی به اندازه بشریت دارد، زیرا هر فرد شیوه و سبکی را در زندگی در پیش گرفته است؛ ولی به عنوان مفهوم نظری کاملاً نوظهور است و اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر، روان‌شناس اجتماعی مطرح شد و بعد از آن، مورد توجه بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، دانش سلامت، تجارت، تبلیغات و رسانه قرار گرفت. سبک زندگی اسلامی، در واقع به معنای چشم‌پوشی از لذات و نعمات دنیوی نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید» (۱). در این روش، زندگی رنگ خدایی می‌گیرد؛ یعنی انتخاب روش و شیوه صحیح زندگی در ضمن تأمین خواسته‌های معنوی و مادی که در نهایت، زمینه رضایت و خشنودی حق تعالی فراهم شود. از این رو تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است. سبک زندگی اسلامی دارای مؤلفه‌های مختلفی از جمله: اطاعت خداوند، پرهیزگاری و ایمان به معاد است که هر قدر بیشتر مورد توجه و اهتمام قرار گیرند به همان اندازه افراد را در مواجهه با معضلات و مشکلات فراوری سبک زندگی اسلامی، بیمه می‌کند. برخی از این مؤلفه‌ها در حیطه‌های مختلف بروز پیدا می‌کند، از جمله در حیطه اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و غیره. در دنیای معاصر انواع زیادی از سبک‌های زندگی وجود دارد، که تفاوت آن‌ها در انواع اندیشه، باور، دین و مذهب است؛ لذا انتخاب هر نوع سبک زندگی در تمام جوانب رفتار و عملکرد افراد مؤثر است. دین اسلام در بین ادیان الهی، به عنوان کامل‌ترین منبع هدایتی بشر، تمام روش‌ها و دستورالعمل‌های لازم را برای هدایت ارائه نموده است؛ اما در فراز و نشیب‌های زندگی، موانع مختلفی بر سر راه آن وجود داشته و دارد که نیازمند بصیرت و هوشیاری جوامع مختلف است. برخی از بازدارنده‌های فرهنگی که مانع جاری شدن سبک زندگی اسلامی هستند، عبارت‌اند از:

۱- **رایج شدن طلاق:** یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق و جاری شدن سبک زندگی اسلامی در تمام جوانب از طریق خانواده صورت می‌گیرد. زمانی که طلاق به صورت امری عادی اتفاق

خاص ترویج داد؛ چون در سبک زندگی اسلامی هر فرد به مقداری که از نعمات استفاده می‌کند نسبت به آن‌ها مسئول است. مصرف، در سبک زندگی اسلامی هم ناظر به رفع نیاز است و هم ناظر بر لذت بردن صحیح از نعمت‌های الهی که در راه تعالی و ارتقای شخصیت انسانی و در جلب رضایت خداوند به کار رود. «يَا كُلُّونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامَ - همچون چهارپایان می‌خورند» (۱).

۵. پرهیز از اعتیاد

در سبک زندگی اسلامی، انسان به عنوان موجودی دارای عقل و درایت است. آن قدر عقل در زندگی بشر مهم است که هر خوراکی یا نوشیدنی که احتمال ضرر به این قوه را دارد، حرام می‌شود. هر نوع مواد مخدر یا هر نوع مواد مست‌کننده یا هر چیز دیگری که عقل را زایل می‌کند، حرمت دارد. در کل هر چیزی که موجب تضعیف اراده انسانی شود و یا باعث شقاوت وی گردد، از قبیل خوردن گوشت خوک، خون، مردار، حیوانات خفه شده و غیره برای انسان طبق کلام الهی حرام شده است (۱). با همین مقدمه با توجه به این که اعتیاد به مواد مخدر، کل هستی آدمی را نابود می‌کند بدن و روح و روان شخص را درگیر کرده و کارایی عقل و اندیشه را از وی می‌گیرد؛ پس هرگونه وابستگی انسان به مواد یا هرآنچه اراده وی را فلج می‌کند، حرام است. از سوی دیگر تخریب مواد مخدر بر تمامی ابعاد شخصیتی و نقش آفرینی فرد تأثیر منفی دارد؛ به گونه‌ای که اراده وی را ضعیف کرده و نشاط فردی و اجتماعی را می‌گیرد. در آیات الهی صدمه به خویشتن را این گونه بیان می‌دارد: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا - هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است» (۱). تمام فقها بر ضرر مواد مخدر تأکید دارند. این که چرا اعتیاد و وابستگی به مواد حرمت دارد، دلایل زیادی دارد که به عنوان مثال به چند مورد آن از قبیل: صدمه و ضرر به خود، اذیت والدین و خانواده، پایه‌ریزی فساد اجتماعی، اسراف و تبذیر در مال، حرام بودن رفتارهای آسیب‌رسان و... اشاره می‌شود؛ که با بررسی در آیات الهی در این مورد مثال‌هایی آورده می‌شود: «وَ إِذَا تَوَكَّلَ سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ - هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد» (۱). «وَ لَا تَقْلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ - خود را به دست خود، به هلاکت نیا فکنید» (۱). علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مسلمان نباید نیرو و قوت خود را از بین ببرد. هلاکت به معنای آن مسیری است که انسان نمی‌تواند بفهمد کجاست و آن مسیری که نداند به کجا منتهی می‌شود. آیه شریفه، مطلق است؛ در نتیجه، نهی در آن، نهی از تمام رفتارهای افراطی و تفریطی است» (۲۰). اعتیاد، خودکشی تدریجی است که طبق آیات الهی حرام است: «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّبُهُ نَارًا وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا - و خودکشی نکنید؛ خداوند نسبت به شما مهربان است. و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به‌زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است» (۱). علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه خودکشی را حرام می‌داند و اعتیاد را به مثابه انتحار می‌داند که مجازات آن را جهنم

اسلامی، نخستین نهاد اجتماعی است که مهم‌ترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حمایت بشر در جهت به سعادت رساندن دارد. در سبک زندگی اسلامی، فرزندآوری و فرزندپروری جایگاه ویژه‌ای دارند؛ در واقع یکی از بسترهای جاری شدن سبک زندگی، تربیت فرزند صالح است. توجه والدین به بعد معنوی و تربیت دینی، امنیت روانی، محبت، احترام و درک متقابل و غیره نیز عواملی برای افزایش استحکام و مقاومت فرزندان در برابر سختی‌ها و مشکلات است. ساده زیستی، در برابر تجمل‌گرایی، در سبک زندگی اسلامی، ارائه می‌شود؛ البته نباید تصور شود که ساده زیستی، به معنای ریاضت است؛ ساده زیستی، راحتی و آسایش روحی را به همراه دارد که یکی از مبانی جاری شدن سبک زندگی اسلامی، ساده زیستی است که نمود دستورات دین مبین اسلام در همین راهکار قابل مشاهده است. بنابراین یکی از معارفی که در حال حاضر بسیار ضروری و حیاتی است، شناخت سبک زندگی اسلامی است. بهترین راه برای پی بردن به سبک زندگی اسلامی، بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. لذا با تأکید بر توضیحات گفته شده، می‌توان چنین عنوان کرد که برای تحقق و جاری‌سازی و تعالی سبک زندگی اسلامی، باید همه اقشار تأثیرگذار خصوصاً خانواده، مراکز آموزشی و رسانه‌ها با دلسوزی هرچه بیشتر اقدامات مؤثر انجام دهند.

Islamic Publications Office affiliated to the Qom Seminary Teachers Association. 383

5. Depressir, Hossein, Rahimi, Esmat. (1394). Cultural Pathology of Tolerance in Individual Behaviors and Quranic Strategies and its Prevention Narrative. Journal of Islamic Insight and Education. Volume ۱۲, Number 330 74,76.
6. Ayatollah, Zahra and a group of writers. (1391). Family ethics. Development of the Representation of the Supreme Leader in Universities. Vice Chancellor for Research, University of Islamic Studies. Qom: Farhang Publishing House. 233-238, 239-246, 247-252.
7. Payandeh, Abolghasem. Nahj al-Fasaha (1363) (Collection of short words of the Holy Prophet (PBUH)). Tehran: The World of Knowledge.
8. Tamimi Amadi, Abdul Wahed bin Muhammad. (1366) Ghorarolhekam and Dorarolkelam, Qom: Advertising Office. First Edition. 393,706,353,212,405,436,281,56,376.
9. Javadi Amoli, Abdullah. (1388). Tasnim: Interpretation of the Holy Quran. Qom: Esraa, 186.
10. Har Ameli, Mohammad Ibn Hassan. (1409). Shiite means. Qom: Al-Bayt Foundation. 14-15, J5:15, J5:54.
11. Hesabi, Iraj. (2009). Master of love. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
12. Hakimi, Mohammad Reza (1378). Alhayat, Translator: Ahmad Aram. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. 412,540.

می‌افتد و ارکان خانواده از هم گسسته می‌شود، زمینه‌ای برای تحقق این مهم وجود ندارد.

۲- ترویج تک‌فرزند: یکی دیگر از موانع فرهنگی در تحقق سبک زندگی اسلامی گرایش به سمت تک‌فرزند است. از آن‌جایی که رشد فرد در تمام جهات نیازمند زمینه‌های مختلف است، در خانواده‌هایی که تک‌فرزند رایج است، مسائلی چون: فرزند سالاری، تربیت منفی فرزند، عدم رشد عقلی و اجتماعی فرزند، تأثیر مستقیم زوجین در تصمیمات فرزند و غیره وجود دارد. در اثر چنین تربیتی، شاهد بی‌احترامی نسبت به والدین، بی‌احترامی نسبت به بزرگ‌ترها، سست عنصری و غیره هستیم و فرد خیلی راحت تحت تأثیر شیوه‌ها و سبک‌های زیستن غیراسلامی قرار می‌گیرد؛ چرا که خانواده در زمینه نهادینه کردن شیوه‌ها و سبک‌های اسلام او را بیمه نکرده است.

۳- تجمل‌گرایی: تعلق‌خاطر نسبت به تجملات دنیا و درگیر شدن به این موارد، باعث فاصله گرفتن از سبک زندگی اسلامی می‌شود. از دیدگاه اسلام، دنیا مزرعه آخرت است و هدف استفاده از دنیا برای رسیدن به سعادت است. اما تجمل‌گرایی و گرایش به ظاهر فریبنده دنیا، مانع جاری شدن سبک زندگی اسلامی است؛ لذا برای محقق شدن سبک زندگی اسلامی باید راهکارهایی را برای مقابله با موانع آن داشته باشیم که در این نوشتار برخی از موانع فرهنگی و اجتماعی و راهکارهای آن بیان شد. خانواده در سبک زندگی

References

1. The Holy Quran, Nisa ': 19, Isra': 27, Al-Imran: 19, Nahl: 89, An'am: 59. An'am: 162, A'raf: 179, Nisa ': 128, Nisa': 35, Divorce: 1-2, Stories: 77, Al-Hadid: 20, Forqan: 67; Taha: 121; Maedeh: 31; Younes: 83; Prisoners: 33, An'am: 141, Al-Isra: 27, Al-A'raf: 31, Malik: 15; Yas: 34; Nahl: 114; Baqarah: 172, Ma'idah: 87-88, Man: 8, Prophets: 3, An'am: 164, Baqarah: 195, Nisa:29-30, Noor: 32, Maryam: 96; Rome: 21; Baqarah: 187, Prophets 89-90; Hood 69-71; Mary 19, Kahf 34-39; Maryam 77; Saba 34 and 3, Kahf 34 and 36 and 37 and 42, Ibrahim 34, Maedeh 6; Joseph 6; Nahl 81, Ibrahim 7, Takathr 8, Baqara 231; Al-Imran 103; Table 7, 11 and 20; Ibrahim 6; Parties 9; Fatir 3, Esraa 2, Safat 24, Mohammad 12, Maedeh 3, Maedeh 32, Baqara 205, Baqara 195, Nisa 29-30, Maedeh 87.
2. Ibn Abi Al-Hadid. (1387 AH). Description of Nahj al-Balaghah. Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi School. Sermon: 126, Wisdom: 172,267,333.
3. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali. (1382). Al-Khasal. Translated by Yaqub Jafari. Qom: Tasnim Kowsar, Ibn Fars. (1404). The dictionary of the comparison of the word. Qom: Abdul Salam Mohammad Haroon Publishing.
4. Ibn Babawiyah Qomi, Muhammad ibn Ali. (1413 AH). I am in the presence of the jurist. research fellow. Editor: Ali Akbar Ghaffari. Qom:

30. Mohammadiyeh Rey Shahri, Mohammad. (1387). The amount of wisdom. Translation: Hamid Reza Sheikhi. Qom: Al-Hadith Printing and Publishing Organization. 2248, vol.11, 5184.
31. Motahhari Morteza (1983), Education in Islam. Tehran: Sadra. 163.
32. Moin. Mohammad, (1353). Farhang-e Farsi, sixth edition, Afshar Printing and Publishing Institute, 1978,
33. Mofid, Muhammad ibn Muhammad. (1413 AH). guidance. Qom: Sheikh Mofid Congress.
34. Makarem Shirazi, Nasser. (1382). Sample interpretation. Tehran: Islamic Library .141, vol.5 :61,62,
13. Khomeini, Ruhollah. (1396). Response to referendums. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. 35-37,324-325.
14. Dehkhoda, Ali Akbar. (1380). dictionary. Tehran: Tehran University Press. 2949.
15. Razi, Seyed Sharif. (1384) Nahj al-Balaghah. Translated by Mohammad Dashti. Tehran: Scientific and Cultural Publications. Wisdom: 94, Letters 21,11,373, Wisdom 371,21, Sermons 192 and 197,196, Sermon, 167.
16. Sharifi, Ahmad Hussein. (1392). always spring. Qom: Maaref Publishing. ,۱۷
17. Sharif Qureshi, Baqir. (1377). Family system in Islam (comparative study). Latif Rashedi. Second Edition .122
18. Al-Sha'iri, Taj al-Din Muhammad ibn Muhammad. (1405). Comprehensive news. Qom: Razi Publications.,۱۰۲
19. Shahidi, Mohammad Hassan. (1382). Drugs Social Security and the Third Way. Tehran: Information Institute .15,
20. Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein. (1375). Interpretation of balance. Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Dar Al-Alam Publications,64,320, 173,166,189,64, vol.2,64, and vol.4,320,
21. Tabarsi, Hassan Ibn Fadl. (1365). Makarem al-Akhlaq. Translated by Seyyed Ibrahim Mirbagheri. Tehran: Farahani. Second Edition .480,
22. Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1367). Bahrain Assembly. Ahmad Hosseini's research. Tehran.69, J5: 115.
23. Farid Tonekaboni, Morteza. (1995). Hadith . Guide to Humanity), Islamic Culture Publishing Office.156,
24. Active, Mohammad Taghi (1397). Lifestyle and manners. Distinctions and subscriptions. Volume ۳, Number 1, Spring and Summer 104,33.
25. Ghorashi, Ali Akbar (1371). Quran Dictionary. Islamic Library. 31,
26. Kalantari, Ali Akbar (1388). Islam and consumption patterns. Qom: Bustan Institute. The fifth book. 23,
27. Colin. Muhammad ibn Ya'qub. (1388). Al-Kafi. Tehran: Islamic Library Publications. Third edition. Fazl al-Alam book. C 1. The book of reason and ignorance. H 12,7 and 6,2,50,
28. Mottaqi, Aladdin Ali (1401). Kanzal al-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Af'al, Beirut
29. Majlisi, Mohammad Baqir. (1403). Baharalanwar. Beirut: Al-Wafa.100, 219, 81, 134, 114, 236,74,J 17:77.